ادامه از صفحه اول

بیروت، جهانی دیگر که آتشی که نمیرد همیشه در دل ماست!(۱۲)

در نماز هم تصویر جوان در برابرم ایستاده بود. بمباران ضاحیه شهادت سید حسن نصرالله عملی سید حسن در گوشم در سه دیدری که بمالوداشتمام تلبش خنده روشنش وطنین موسیقای آوای گرمش- و خاک سرخ جراح مالده از بمباران هاد ر ضاحیه که در هنگام فرا دشا می بینم. نگاهی به در یا که خاکستری- نقره‌ای است اندا خنم ساعت موبایلم را کوک کردم روی ساعت ۷ و ۵۰ دقیقه! اکنون ساعت شش است. بایستی به پیرمرد چشم‌پزشک پیام بدهم چرا نامش را در دفترم یادداشت نکرده‌ام؟ ما شناختیمت ضاحیه‌ام یادداشت‌هایم‌مثل رمان کوری نوشته ژوزه ساراما گو شود. (هر وقت گفته می‌شود مردم ایران کم کتاب می‌خوانند من کتاب کوری ساراما گو را مثال می‌زنم. بیش از ۳۰۰ هزار نسخه! این کتاب در ایران بازترجمه‌های مختلف و چاپ‌های متعدد و متنوع منتشر شده است!) هر کدام از شخصیت‌های رمان، شکیر اگو ساراما گو را فقط با نشانه‌های می‌شناسیم. پزشک مصلح، پیرمرد بی‌با چشمبند، پلیس نوپسند... ۰۰۰ هیچکدام نام و فامیل ندارند به دوست چشم‌پزشک پیام می‌دهم که امروز صبح برای راه‌فردی کنار ساحل نمی‌آیم، به طرابلس می‌روم و در موبایلم با همین نشانی چشم‌پزشک لبنانی شماره‌اش را ثبت می‌کنم.

خبرهای کوتاه را از المنار می‌بینم. همینطور که میان تخت ادامه‌ام بوده‌ام. به روایت مرحوم آقای روزبه بنیاد گذار دبیرستان علوی: «الدرا ز نصف الخواب!» و به قول مرحوم مادر هوشم برده بود یا دمای زنگ موبایل بیدار شده، در رستوران هتل همچنان روحانی لبنانی و همسرش حضور دارند و خبر نگار زاپنی.

مهدی پیام داده که ساعت ۷ به طرابلس می‌رویم. مهدی می‌گوید به منطقه «نوری الخمس» می‌رویم. در ناحیه‌ای مسیحی نشین پنج سیلو وجود دارند. محمد آقا از جوان متدین و با صفای ایرانی که داماد لبنان شده است، محمد آقا در همان منطقه زندگی می‌کند. پدر خانم و راهنمای ما در ارتفاعات طرابلس می‌شود. ارتفاعاتی بسیار زیبا و سرشار از جنگل‌های صنوبر و سرو و زیتون. درخت‌ها و جنگل‌ها در لبنان لطیف‌تر از انواع مشابه‌اش در دیگر کشورهایی است که دیده‌ام. گویی این درختان در دیگر کشورها شبیه کتان یا کرباس و دارلینگ از جنس پرند و پرنیان است. خاطرات از طرابلس پرشتاب در ذهنم تداعی می‌شود. در دانشگاه لبنان‌مونده سمینار یک هفته‌ای برگزار شده بود. مطران (اسقف) جرج خضر مسوول سمینار بود. من در عمرم رحیطان مسیحی زیاد دیده‌ام یا آنها مأنوس و همدم و هم‌سخن بوده‌ام. کتاب مقدسم که بیش از شصت سال است همراهم بوده و هست و از جمله کتاب‌های بالینی من است! هدیه کشیش خداوردیان است که وقتی دمسالم بود، در روستای ارمنی نشین خمریان که همسایه مهاجران بود به سر می‌برد. هر هفته مزموری از مزامیر و غزل غزل‌های سلیمان و آیاتی از انجیل به ویژه انجیل یوحنا و مکاشفه یوحنا را می‌خواند. خواندن مزامیر و غزل غزل‌های سلیمان و آیاتی از انجیل به ویژه انجیل یوحنا و مکاشفه یوحنا را می‌خواند. خواندن مزامیر و غزل غزل‌های زبان عبری حلاوت و جذابیت دیگری دارد شعر با موسیقی همه‌ام و هم‌سرود و یکانه است. اقبال اکبری که سروده است: «شعر رنج موسیقی و رقص پیکر آن است!» یعنی است. با موسیقی است. پیامبر هم در پاسخ به حارث بن هشام که از وحی می‌پرسید، چگونه وحی را دریافت می‌کنی؟ (او وحی را چگونه می‌شنوی؟) پاسخ می‌دهد: «گاه وحی را مانند طنین آوای زنگ می‌شنوم!»(۱)

تفسیر کنز الدقائق ج ۱۳ ص ۴۹۹) جوزج خضر معرز که فروغ ایمان از چشمانش می‌تابد و طمانینه جاری قرار یافته‌اش به شما آرامش می‌بخشد. کشیش بنا در صدسال دارد و ایام خلوت خود را می‌گذراند. متولد ۱۴ جولای ۱۹۲۳ است. اگر بخواهید فرهنگ لبنان را دقیق و درست بشناسید، یکی از کلیدهای قفل‌های مطران جوزج خضر است. در دانشگاه لبنان درس می‌داد از ۱۳۸۴ و بنا می‌گفت: «ما مسیحیان لبنان در میان مسیحیت، اما زبان و فرهنگ‌مان اسلامی است!» بدیهی است مهم‌ترین رکن یا کانون فرهنگ زبان است. این تلفیق و بهامیزی در کتاب سرنوشت ساز و عظیم‌الرگیز «پیامبر» نوشته جبران خلیل جبران مشهودات است. در همان نخستین سطرها از مصطفی سخن می‌گوید. نام کتاب پیامبر است و در متن همه پیامبر اشاره می‌کند. کتاب مقدس نامش «عهدین» است. چنان که جلال الدین مصطفی رواعده داد الطاف حق

گر مبیری تو نمیرد این سبق!

و جلال الدین با همان خردتاب و سوز مسلمانی که جلش را انگیزه داد:

ای مسلمان چون تو مسلمانی سوز!

چون به نام مصطفی خواند مرد!

و جوز/حق همه گوید کهای مغرور غیر از درون سینه‌ات نیست چه و چیز! تا نداری از محمد رنگ و بو / از درود خود ملاما نلوا!

از بیروت تا طرابلس حدود ۸۰ کیلومتر است و یک ساعتی به طول می‌انجامد. قرار و فرود داد و چشم‌انداز مدیترانه از ارتفاعات بسیار زیبا و دلپسند است. به دلیل آب و هوای معطر و دلپذیر بسیاری زیبا از سوییس دریای نقره‌ای و آبی آسمان و جنگل سبز جا جا که باشد جبات است! مهدی راننده‌ای که هنر همراز هم در موبایلش را چک می‌کند. گاه با من هم حرف می‌زند. من تحقیق دارم که کشمر حرف بزنیم! ملاحظه کنید که چه ماجراهای کاری مه هنادا عمر، که ما حوا حواس مهدی با حرفم بزیر شود و تمرکش را رانندگی و نیز ارتباطاتی بر لقطاع از دست بدهد. راننده‌گی اس ماجرا جوابه و نگرانی سازنیست دقیق و هوشمندانه است. تکیه کلامش هم «بابن الله»است. این تکیه کلام خاص و با لقلقه زبان است. گواه عاشق صادق در آستین باشد! همینجا بگویم من در دهه اخیر را سلی از جوانان که با من سفر خود بوده‌اند و اکنون در دهه چهل هستند. اشاره‌ام اکنون تکمو حای موی سپید به سر و صورتش نشسته است. مشغول مصرف قند جوانی اند. در لابلای رمش خوش حالت مهدی که شبیه برش هوشی میز است و قاب چهره او را کشیده و فیلسوفانه نشان می‌دهد سبق آورده است! این جوانان نه

بی‌نوشت:

۱- تفسیر کنز الدقائق ج ۱۳ ص ۴۹۹

۲- Encyclopedia of Islam, Leiden, Brill, vol ۲، ۱۰۱۵

۳- رحله ابن بطوطه، آکادمیه المملکه المغربیه، ج ۱، ص ۲۵۶ (کتابخانه مدرسه فقاهت)

https://lib.eshia.ir/40560/1/3

قانون

نیما مختاری/اعتماد

محسن برهانی در گفت و گو با اعتماد آنلاین ابعاد مختلف قانون حجاب و عفاف را نقد می کند

قانون اقلیت

گروه سیاسی/ محسن برهانی یکی از چهره‌هایی است که از ابتدای مطرح شدن صلاحیت مرتبط با حوزه سیاسی و حقوقی در جریان بحث‌های سلیقه در قانون زمینه روشنگری های بسیاری صورت داده است؛ فعالیت‌های که حتی منجر به صدور حکم علیه او و تجربه زندان برای برهانی شد. در شرایطی که بحث‌های رادیکال در درون و بیرون مجلس دوباره جریان اعتبار و ابلاغ لایحه حجاب و عفاف را در دستور کار قرار داده‌اند برهانی در گفت‌وگو با اعتماد آنلاین تلاش کرده از منظر حقوق، نوری بر ابعاد پنهان قانون حجاب و عفاف بتاباند. او معتقد است اجرای این قانون، گسمال غیر قابل اجتماعی و راهبردی در کشور را افعال کرده و مداومات ناشنوده‌ای برای بخش‌های مختلف حاکمیتی و عمومی ایجاد می‌کند.

● در آخرین بحثی که باشما داشتیم، قبل از زندانی شدن شما بود؛ در آن دیداره بحث حجاب و عفاف صحبت شد. در آن گفت‌وگو به این نکته اشاره شد که تصویب این قانون، گسمال‌های اجتماعی را در کشورمان افعال می‌کند. حیف است آغاز این صحبت از پایان گفت‌وگوی قبلی‌مان باشد. بفرمایید تصویب این قانون را چطور ارزیابی می‌کنید؟

نطفه اتفاقی که در چند روز اخیر فضای کشور و فضای رسانه‌ای را به شدت تحت تاثیر قرار داد در سال ۱۴۰۲ منعقد شد. از اتفاقاتی که در سال ۱۴۰۱ افتاد و علی‌الاعاده میزان التزام به حجاب در جامعه کاهش پیدا کرد، با صحنه‌هایی در خیابان‌ها مواجه بودیم که قبل از شهریور و مهر (۱۴۰۱)، برای ما برای اقرار متصور نبود که امکان دارد وضعیت حجاب در بعضی از شهرها به این صورت باشد. بعضی از مراکز و افراد به این نقطه نظر رسیدند که باید حتما برای این قضیه چاره‌ای بیندیشیم. این چاره‌اندیشی متفاوت است. ما یک نقطه اشتباهی در جامعه داریم و آن اینکه بعضی از ما فکر می‌کنیم چاره‌اندیشی این است که با ابزارهای سخت به سراغ موضوعات برویم. در واقع پیش فرض این است که وقتی افراد را توجه به مجازات کنیم و برای آنها محدودیت بیشتری از لحاظ اجتماعی، اقتصادی، اشتغال و امور دیگر ایجاد کنیم، این افراد منش و انتخاب‌مان را تغییر می‌دهند. پیش فرضی که در نزد بعضی از افراد وجود دارد و کاملا اشتباه است. نه مطالعات جامعه‌شناختی، نه مطالعات جرم‌شناختی آحاد زمنی نده‌ها همین پیش فرض در نزد برخی از نمایندگان مجلس به یک استراتژی تبدیل می‌شود برای اینکه بی حجابی در جامعه گسمال پیدا کند. پس اساسا این قانون متنی بر یک پیش فرض است و این پیش فرض این است که نظر قانون‌گذاران بر این باور مستقر شد که ما می‌توانیم با استفاده از ابزار کیفری و ابعاد محدودیت به صورت حداکثری در افراد و ابعاد تهدید شغلی و روانی، ایجاد تهدید مالی و تهدید برای تحصیل، اشتغال، آزادی و اموال افراد، افراد را به این سمت سوق بدهیم که حجاب را رعایت کنند. این قانون متنی بر این پیش فرض است. ای کاش نویسندگان قانون، چند پیوست علمی ارایه می‌دادند که ببینید این قانون مبتنی بر این پیش فرض است و ما متنی بر این پیش فرض‌ها اثبات شده علمی، در یک ارجمتماعی می‌خواهیم مداخله کنیم. متاسفانه، فقط قانون پیوست‌هایی رامی‌بینیم‌که‌ملاک‌ما‌مسترتجوب قانونی که فرا رست زندگی میلیون‌ها ایرانی را تحت‌الشعاع قرار دهد، در یک سر بسیار محرمانه، سوم‌ه‌شماره‌ی‌ساز گرفته شد. اگر ما می‌خواهیم در پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی مراجعه فرمایید مجلس یک کار علمی بسیار خوبی انجام داده طرح یا لایحه‌ای ارایه است. مقوله به شورا می‌رود، شورا اشکال می‌کند، اشکالات شورا بسیار بارگذاری می‌شود، رفت و برگشت‌ها همه روی سایت بارگذاری می‌شود. در مورد این قانون این طور نیست. مقوله اول کمیسیون و اشکال اولیه شورا می‌آید و محتوم می‌شود. چرا؟

● این روند در مورد تصویب طرح حشاسفه مطرح می‌شود. درواقع کمیسیون اصل هشتاد و پنجی مورد بررسی می‌شود.

یعنی نه فقط مردم بلکه نماینده‌گان هم اطلاع ندارند چه اتفاقی می‌افتد. چون هشتادوپنجی اش کردند و به کمیسیون بردند و در کمیسیون هم نیروهای مختلفی با تاندیده‌ها و رویکردهای مختلف تلاش کردند حرفشان شده‌اند قانون‌گذاری شد. درواقع ما با قانونی روبه‌روهستیم که به زیر پیش فرض‌های مبتنی بر سلیقه‌ای شکل گرفته است. کار تقنین هیجان‌زدگی است. کار تقنین در است این است که اول قانون نسبی ایجاد کند و بعد از آن قانون عملیاتی می‌شود.

● قبل از اینکه از این بحث خارج شویم، خوب است به این برسش بپردازیم که تثبیت کنندگان این قانون نگران چه چیزی بودند که حاضر نشدند شفاف‌سازی لازم را انجام دهند؟

به نظر خواهانسب است دانشندیه احتمال زیاد حنام فضای حسن نیت دینی و بالانگیزه‌های مذهبی این کار را کرده‌اند. بنده اعتقاد دارم این قانون قرار بود در صحن علنی مطرح شود، نماینده‌گان مخالف حرف‌هایی را می‌زدند که مسیر تصویب سریع این قانون با چالش مواجه می‌شد و در تاریخ تقنین ایران این گمو گوها به وقوع نپیوست تب و ضبط و شد. الان مشروع متاکرانی نداریم. الان نمی‌دانیم با پیشنهاد کدام نماینده فلان ماده افاضه یا کم‌وشد. بله دو سه نفر از نمایندگان رانام می‌برند که قانون دستخوش تاثیر قرار گرفته‌اند. آقایانی که در شفاسازی می‌زنند، باید همه چیز شفاف باشد چطور شد که حتی برخی از نمایندگان نسبت به این قانون موضع‌گیری منفی داشتند. درواقع تصویب این قانون مبتنی بر نظرات تخصصی کدام طیف‌ها صورت گرفته. آیا در این زمینه اطلاع‌رسانی شده‌است؟

خیر، من اطلاعی ندارم ولی چیزی که انسان می‌تواند ادعا کند این است که برمبنای فقه سنتی و فقه رایج در حوزه‌های علمی هم به این قانون انتقادهای جدی وارد است. زمانی سخن به میان می‌شود در زمانی این امت مشکل فقهی و شرعی دارد، اما نکته اساسی تر که همین الان اتفاق می‌افتد که شما از این بزرگوران نام بردید و دغدغه برخی دیگر از بزرگان است دو نکته است. یک نکته اینکه آیا استفاده از این ابزارهای علمیه بخش قابل توجهی از جامعه، جامعه آثاری را سبد در گیری و عدم اعتقاد و اعطاف گیری خانم‌ها و آقایان و دختران جوان و زنان از اصل دین دارد. بعضی از این بزرگوران الان یک دغدغه جدی دارند که نمی‌خواهم‌ورخود کردیم چه آثاری دارد. کمااینکه دلسوزان شریعت و نظام مردم، زمانی که گشت ارشاد آن اقدامات را انجام می‌داد از جنبه دین گریزی مردم به نقد موضع می‌پرداختند که اقدام شما باعث دین گریزی است. این یک دغدغه در میان علما و اندیشمندان دینی است. نکته دوم این است که الان، مشروع متاکرانی نداریم. الان نمی‌دانیم با پیشنهاد کدام نماینده فلان ماده افاضه یا کم‌وشد. بله دو سه نفر از نمایندگان رانام می‌برند که قانون دستخوش تاثیر قرار گرفته‌اند. آقایانی که در شفاسازی می‌زنند، باید همه چیز شفاف باشد چطور شد که حتی برخی از نمایندگان نسبت به این قانون موضع‌گیری منفی داشتند. درواقع تصویب این قانون مبتنی بر نظرات تخصصی کدام طیف‌ها صورت گرفته. آیا در این زمینه اطلاع‌رسانی شده‌است؟

● درمورد این قانون بحث‌های مختلفی مطرح شده. شما هم اشاره کردید که قانون باید با اقناع افکار عمومی و اقشار تخصصی را همراه داشته باشد. وقتی به قانون حجاب و عفاف نگاه می‌کنیم حتی نقد علمای دینی را مورد نقد می‌بینیم. آقای محمد دماوند مدرس حوزه علمیه قم اخیرا اشاره کردند که این قانون از حوزه گرشکری کشورمان سازگار نیست و از علمای شیعه و مراجع تقلید خواستند ورود کنند. اخباری هم شنیده می‌شود که حتی برخی آیات عظام نسبت به این قانون موضع‌گیری منفی داشته‌اند. درواقع تصویب این قانون با سایر کشورها برای برخورد با بی‌حجابی است هم گزارهای مختلفی را شکل داده است. در مورد محتوای این قانون و نگرانی‌ها که بین مردم ایجاد کرده چه نظری دارید؟

این قانون که در ۲۴ بند تنظیم شده، به لحاظ شکلی با یک قانون مواجه هستیم. یعنی مجلس اجازه می‌دهد به کمیسیون موضوع ماده ۸۵ و نیز به کمیسیون به شورای نگهبان می‌رود، شورای نگهبان تایدمی کند و شورای بررسی این ایرادهای مجلس علیه بخش قابل توجهی از جامعه، جهه اثاری را سبد در گیری و عدم اعتقاد و اعطاف گیری خانم‌ها و آقایان و دختران جوان و زنان از اصل دین دارد. بعضی از این بزرگوران الان یک دغدغه جدی دارند که نمی‌خواهم‌ورخود کردیم چه آثاری دارد. کمااینکه دلسوزان شریعت و نظام مردم، زمانی که گشت ارشاد آن اقدامات را انجام می‌داد از جنبه دین گریزی مردم به نقد موضع می‌پرداختند که اقدام شما باعث دین گریزی است. این یک دغدغه در میان علما و اندیشمندان دینی است. نکته دوم این است که الان، مشروع متاکرانی نداریم. الان نمی‌دانیم با پیشنهاد کدام نماینده فلان ماده افاضه یا کم‌وشد. بله دو سه نفر از نمایندگان رانام می‌برند که قانون دستخوش تاثیر قرار گرفته‌اند. آقایانی که در شفاسازی می‌زنند، باید همه چیز شفاف باشد چطور شد که حتی برخی از نمایندگان نسبت به این قانون موضع‌گیری منفی داشتند. درواقع تصویب این قانون مبتنی بر نظرات تخصصی کدام طیف‌ها صورت گرفته. آیا در این زمینه اطلاع‌رسانی شده‌است؟

● قانون حجاب و عفاف مبتنی بر یک پیش فرض است و آن اینکه ما می‌توانیم با استفاده از ابزار کیفری و ابعاد محدودیت به صورت حداکثری برای افراد و ابعاد تهدید شغلی و روانی، ایجاد تهدید مالی و تحصیلی، اشتغال، آزادی و اموال مردم، افراد را به این سمت سوق بدهیم که حجاب را رعایت کنند!

● فقط مردم بلکه نماینده‌گان هم از نحوه تصویب و محتوای قانون حجاب و عفاف اطلاع ندارند. چون هشتادوپنجی اش کردند و به کمیسیون بردند و در کمیسیون هم نیروهای مختلفی با اندیشه‌ها و رویکردهای مختلف تلاش کردند حرف‌شان را رد کرده‌اند و به شورای نگهبان رفت. درواقع ما با قانونی روبه‌روهستیم که به زیر پیش فرض‌های مبتنی بر سلیقه‌ای شکل گرفته است. کار تقنین هیجان‌زدگی است. کار تقنین در است این است که اول قانون نسبی ایجاد کند و بعد از آن قانون عملیاتی می‌شود.

● قبل از اینکه از این بحث خارج شویم، خوب است به این برسش بپردازیم که تثبیت کنندگان این قانون نگران چه چیزی بودند که حاضر نشدند شفاف‌سازی لازم را انجام دهند؟

به نظر خواهانسب است دانشندیه احتمال زیاد حنام فضای حسن نیت دینی و بالانگیزه‌های مذهبی این کار را کرده‌اند. بنده اعتقاد دارم این قانون قرار بود در صحن علنی مطرح شود، نماینده‌گان مخالف حرف‌هایی را می‌زدند که مسیر تصویب سریع این قانون با چالش مواجه می‌شد و در تاریخ تقنین ایران این گمو گوها به وقوع نپیوست تب و ضبط و شد. الان مشروع متاکرانی نداریم. الان نمی‌دانیم با پیشنهاد کدام نماینده فلان ماده افاضه یا کم‌وشد. بله دو سه نفر از نمایندگان رانام می‌برند که قانون دستخوش تاثیر قرار گرفته‌اند. آقایانی که در شفاسازی می‌زنند، باید همه چیز شفاف باشد چطور شد که حتی برخی از نمایندگان نسبت به این قانون موضع‌گیری منفی داشتند. درواقع تصویب این قانون مبتنی بر نظرات تخصصی کدام طیف‌ها صورت گرفته. آیا در این زمینه اطلاع‌رسانی شده‌است؟

● در مورد این قانون بحث‌های مختلفی مطرح شده. شما هم اشاره کردید که قانون باید با اقناع افکار عمومی و اقشار تخصصی را همراه داشته باشد. وقتی به قانون حجاب و عفاف نگاه می‌کنیم حتی نقد علمای دینی را مورد نقد می‌بینیم. آقای محمد دماوند مدرس حوزه علمیه قم اخیرا اشاره کردند که این قانون با گزاره‌های دینی هم حتی سازگار نیست و از علمای شیعه و مراجع تقلید خواستند ورود کنند. اخباری هم شنیده می‌شود که حتی برخی از آیات عظام نسبت به این قانون موضع‌گیری منفی داشته‌اند. درواقع تصویب این قانون با سایر کشورها برای برخورد با بی‌حجابی است هم گزارهای مختلفی را شکل داده است. در مورد محتوای این قانون و نگرانی‌ها که بین مردم ایجاد کرده چه نظری دارید؟

این قانون که در ۲۴ بند تنظیم شده، به لحاظ شکلی با یک قانون مواجه هستیم. یعنی مجلس اجازه می‌دهد به کمیسیون موضع ماده ۸۵ و نیز به کمیسیون به شورای نگهبان می‌رود، شورای نگهبان تایدمی کند و شورای بررسی این ایرادهای مجلس علیه بخش قابل توجهی از جامعه، جهه اثاری را سبد در گیری و عدم اعتقاد و اعطاف گیری خانم‌ها و آقایان و دختران جوان و زنان از اصل دین دارد. بعضی از این بزرگوران الان یک دغدغه جدی دارند که نمی‌خواهم‌ورخود کردیم چه آثاری دارد. کمااینکه دلسوزان شریعت و نظام مردم، زمانی که گشت ارشاد آن اقدامات را انجام می‌داد از جنبه دین گریزی مردم به نقد موضع می‌پرداختند که اقدام شما باعث دین گریزی است. این یک دغدغه در میان علما و اندیشمندان دینی است. نکته دوم این است که الان، مشروع متاکرانی نداریم. الان نمی‌دانیم با پیشنهاد کدام نماینده فلان ماده افاضه یا کم‌وشد. بله دو سه نفر از نمایندگان رانام می‌برند که قانون دستخوش تاثیر قرار گرفته‌اند. آقایانی که در شفاسازی می‌زنند، باید همه چیز شفاف باشد چطور شد که حتی برخی از نمایندگان نسبت به این قانون موضع‌گیری منفی داشتند. درواقع تصویب این قانون مبتنی بر نظرات تخصصی کدام طیف‌ها صورت گرفته. آیا در این زمینه اطلاع‌رسانی شده‌است؟

● تصویب این قانون با سایر کشورها برای برخورد با بی‌حجابی است هم گزارهای مختلفی را شکل داده است. در مورد محتوای این قانون و نگرانی‌ها که بین مردم ایجاد کرده چه نظری دارید؟

این قانون که در ۲۴ بند تنظیم شده، به لحاظ شکلی با یک قانون مواجه هستیم. یعنی مجلس اجازه می‌دهد به کمیسیون موضع ماده ۸۵ و نیز به کمیسیون به شورای نگهبان می‌رود، شورای نگهبان تایدمی کند و شورای بررسی این ایرادهای مجلس علیه بخش قابل توجهی از جامعه، جهه اثاری را سبد در گیری و عدم اعتقاد و اعطاف گیری خانم‌ها و آقایان و دختران جوان و زنان از اصل دین دارد. بعضی از این بزرگوران الان یک دغدغه جدی دارند که نمی‌خواهم‌ورخود کردیم چه آثاری دارد. کمااینکه دلسوزان شریعت و نظام مردم، زمانی که گشت ارشاد آن اقدامات را انجام می‌داد از جنبه دین گریزی مردم به نقد موضع می‌پرداختند که اقدام شما باعث دین گریزی است. این یک دغدغه در میان علما و اندیشمندان دینی است. نکته دوم این است که الان، مشروع متاکرانی نداریم. الان نمی‌دانیم با پیشنهاد کدام نماینده فلان ماده افاضه یا کم‌وشد. بله دو سه نفر از نمایندگان رانام می‌برند که قانون دستخوش تاثیر قرار گرفته‌اند. آقایانی که در شفاسازی می‌زنند، باید همه چیز شفاف باشد چطور شد که حتی برخی از نمایندگان نسبت به این قانون موضع‌گیری منفی داشتند. درواقع تصویب این قانون مبتنی بر نظرات تخصصی کدام طیف‌ها صورت گرفته. آیا در این زمینه اطلاع‌رسانی شده‌است؟

● در مورد اصناف هم این وضعیت وجود دارد.

اگر خریدار حجاب ندارد مغازه من را بلمب می‌کنند؟ چرا این کار را می‌کنید؟ یک ماده‌ای دارد که واقعا شاهکار است (با لبخند) دیدم در فضای مجازی به این مورد نپرداختند. تبصره ۷ ماده ۴۰. نویسندگان این قانون نگاه خاصی به هنرمندان دارند. زمانی یک چیزی نوشتم به نام «لمبوریتی کشان». یکی از پیش فرض‌های آقایان این است که مردم جز احجاب را رعایت نمی‌کنند؟ چون یکسری خانم سلبریتی هستند که رعایت نمی‌کنند مردم هم رعایت نمی‌کنند. این چه نگاه مهجورانگاری به مردم ایران است. یعنی اینها منتظرند یک خانم هنرمند مثلا حجابش شل شود یا بیفتد و اینها هم حجاب‌شان را بردارند. تبصره ماده ۴۳ خیلی جالب است که می‌گوید تهیه‌کنندگان سینما، برنامه‌های صدا و سیما با محتوای صوت و تصویر موظف هستند در شروط ضمن قرارداد باید از خانم تضمین بگیرند که با بازیگر نقش اصلی، کارگردان، مجری، گوینده تا دو سال بعد از اینکه فیلمت را پخش کند باید بچه خوبی باشی و حجابت را رعایت کنی. اگر در این دوره این کار را کردی اینها سراغ بازیگر می‌روند و می‌گویند بازیگر پول نداری؟ سراغ تهیه‌کننده می‌روند که پول جزای نقدی این بازیگر را به ما بده. چرا؟ این چه حرفی است؟ این دیگر نه نقض اصل شخص بودن است، سوءوظیت مجازات است. تهیه‌کننده چه گناهی کرده؟ مگر تهیه‌کننده مبصر است؟ تازه می‌گوید تا دو سال بعد. تهیه‌کننده اتکلیف می‌کند که تضمین بگیرد اگر بازیگر حجابش را برداشت، مجازات شد و پولش را نداد، آقایان نوشته‌اند چنانچه تضمین مناسب اخذ نشده باشد و جزای نقدی از محل اموال مرتکب قابل وصول نباشد، تهیه‌کننده مسوول پرداخت جزای نقدی است. این خلاف قاعده و رزر نیست؟ مگر خداوند نمی‌گوید ولا تزر وازره وزر آخری. این بنده خدا باید مجازات دیگری را ببرد/زد. من واقعا از شورای نگهبان تعجب می‌کنم.

● اگر در این دو سال با جنده تهیه‌کننده قرارداد داشته باشید چه اتفاقی می‌افتد؟ این مشخص نیست.

به نظرم تهیه‌کننده‌گی باید تعطیل شود چون هر لحظه